

مجله علوم تربیتی و روانشناسی
 دانشگاه سیستان و بلوچستان
 سال دوم - شهریور ماه ۱۳۸۴

بررسی عوامل موثر بر خشونت مردان نسبت به زنان در استان مازندران

دکتر ابراهیم صالحی* و صادق صالحی**

چکیده

خشونت نسبت به زنان در خانواده، واقعیتی آزار دهنده است. این نوع خشونت، عرصه زندگی را برای زن و شوهر تنگ می کند و اثرهای گوناگون و قابل توجهی بر کودکان و نوجوانان شاهد این خشونت به جای می گذارد. صرف نظر از توجهات جهانی به مساله خشونت نسبت به زنان در خانواده، آنچه که برای جامعه ایرانی دارای حساسیت وافر می باشد این است که خشونت به هر طریقی که در خانواده، تداوم یابد می تواند مهم ترین عامل از هم گسیختگی ساختاری بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده باشد. پژوهش حاضر با توجه به مدل لسول (ساروخانی ۱۳۷۶ به نقل از کازنو، ۱۳۶۷) در صدد پاسخ گویی به پنج سوال اساسی است: الف- ویژگیهای قربانیان خشونت (Whom) ب- ویژگیهای عاملان خشونت (Who): ج- شیوه های اعمال خشونت (How) یعنی خشونت جسمانی، خشونت جنسی، خشونت کلامی، خشونت روانشناختی، خشونت اقتصادی و خشونت اجتماعی. د- علل خشونت علیه زنان (Why) ه- پیامد های خشونت علیه زنان (Effects). این تحقیق از نظر روش، پیمایشی است و جامعه آماری آن را کلیه زنان متأهل شهری استان مازندران ساکن در شهر های نکا، ساری، قائمشهر، بابل، نور و تنکابن تشکیل می دهند.

*-استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

** -عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

برای تعیین نمونه از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب استفاده شده است. واحد تحلیل آن فرد می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخص های آماری توصیفی استفاده شده است.

واژه های کلیدی: خشونت خانگی، خشونت عاطفی، خشونت اقتصادی، خشونت جسمی، خشونت جنسی، خشونت معنوی، خشونت کلامی، خشونت اجتماعی



• مقدمه

مسئله ی محرومیت و ستم تاریخی که بر زنان رفته است، لااقل در قالب سخن و گفتار، امروز مورد تأیید گروه های مختلف اجتماعی است. در گذشته، به دلایل متعدد، حیات انسانی زنان آن چنان بی بهاء بود که نه تنها طرح مسئله ی برخورد های تحقیر آمیز و غیر انسانی با آن مورد نداشت بلکه حتی یاد و ذکر نام زن به خودی خود مسئله ای شرم آور محسوب می شد. اما در دنیای امروز، مسئله ی زنان جدای از مسائل کل جامعه بشری نبوده و هرگونه رفتار خشن، تبعیض آمیز و زور گویانه و یا رفتاری که ناقض حقوق زن به عنوان یک انسان باشد، محکوم و غیراخلاقی به شمار می آید (احمدی خراسانی، ۱۳۷۸). به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۳ در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مساله خشونت علیه زنان به عنوان خشونت علیه بشر و یک نوع جنایت علیه زنان مطرح و حتی بیانیه حذف خشونت علیه زنان به تصویب رسید.

امروزه، در همه کشورهای دنیا، مساله خشونت نسبت به زنان، کم و بیش در کانون توجه اجتماعی قرار گرفته و این موضوع طی سالهای اخیر مورد توجه اجتماعات جهانی و بین المللی قرار گرفته است. در چهارمین کنفرانس حقوق بشر در وین (سال ۱۹۹۷) خشونت علیه زنان یکی از موضوع های دارای اولویت برای بررسی در کنفرانس تشخیص داده شد و این نکته مهم مورد تاکید قرار گرفت که خشونت، جسم، روان و آزادی زنان را تهدید می کند.

صرفنظر از توجهات جهانی به مساله خشونت نسبت به زنان در خانواده، آنچه که برای جامعه ایرانی دارای حساسیت وافر میباشد این است که خشونت به هر طریقی که در خانواده تحقق یابد، باعث تزلزل و سستی خانواده می شود. با توجه به اینکه، هسته اصلی و اساسی جامعه ایرانی را خانواده تشکیل می دهد، پدیده ای مثل خشونت نسبت به زنان در خانواده به

عنوان یک آسیب اجتماعی جدی در نظر گرفته میشود، چرا که خشونت می تواند مهمترین عامل از هم گسیختگی ساختاری بنیادی ترین بخش جامعه، یعنی خانواده باشد و پیدایی آن بسیاری از کارکردهای خانواده سالم را بین ببرد.

با توجه به اهمیت مساله، لازم است پژوهش ها و تحقیقات تجربی و میدانی گسترده ای در سطح جهانی، ملی و منطقه ای در زمینه خشونت علیه زنان صورت پذیرد تا ابعاد تجربی قضیه را آشکار سازد و بدین ترتیب، راه حل های متناسب برای حل این مشکل و آسیب اجتماعی شناسایی و ارائه گردد.

هدف کلی تحقیق حاضر عبارت از بررسی خشونت مردان علیه زنان در خانواده است. علاوه بر این، اهداف جزئی ذیل نیز مطرح نظر میباشد: ویژگی های قربانیان خشونت؛ ویژگی های عاملان خشونت: انواع خشونت، علل بروز خشونت، پیامد و تاثیر خشونت.

در بررسی حاضر، خشونت به عنوان یک واقعیت و پدیده اجتماعی در نظر گرفته شده است که برای شناخت آن، مدل لسول مورد توجه قرار گرفته شده است. در اینجا مفاهیم مورد نظر لسول، به صورت زیر معادل سازی شده اند: اعمال کننده خشونت معادل فرستنده پیام، علت های بروز خشونت معادل محتوای پیام، قربانی خشونت معادل گیرنده پیام، شیوه های خشونت معادل وسیله ارتباطی، نتایج و اثرات خشونت معادل نتایج پیام دریافت شده (کازنو، ۱۳۶۷، ص ۱۲). بدین ترتیب، تحقیق حاضر با استفاده از مدل لسول، در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

- ۱- ویژگیهای قربانیان خشونت چیست؟ (Whom)
- ۲- ویژگیهای عاملان خشونت چیست؟ (Who)
- ۳- شیوه های مختلف اعمال خشونت چیست؟ (How)
- ۴- علت بروز خشونت علیه زنان چیست؟ (Why)
- ۵- پیامد و تاثیر خشونت بر قربانیان خشونت چیست؟ (Effects)

• روش

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را زنان متاهل مناطق شهری استان مازندران تشکیل می دهد. نمونه آماری این تحقیق را افرادی تشکیل می دهند که در شهرهای بهشهر، ساری، تنکابن، چالوس، بابل و نور زندگی می کنند. برای انتخاب نمونه های تحقیق از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب استفاده شده است. با توجه به امکانات و چارچوب های تعیین شده، تعداد ۳۷۲ نفر (زن) به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند جدول زیر توزیع جامعه و نمونه تحقیق را نشان می دهد.

جدول شماره ۱: توزیع جامعه و نمونه آماری پژوهش (مرکز آمار ایران ۱۳۷۵)

ردیف	منطقه جغرافیایی	نام شهر	جامعه آماری	تعداد نمونه
۱	شرق	بهشهر	۵۸۰۱	۱۸
۲	غرب	تنکابن	۱۵۷۰۵	۳۹
۳	شرق	ساری	۳۳۲۴۳	۸۹
۴	مرکزی	بابل	۴۰۵۷۷	۹۷
۵	مرکزی	قائم شهر	۴۷۸۷۷	۱۰۳
۶	غرب	نور	۵۸۰۱	۲۶
-		جمع کل		۳۷۲

لازم به ذکر است که به علت ناقص بودن ۱۸ پرسشنامه، تحلیل اطلاعات پرسشنامه ای براساس ۳۵۴ نمونه انجام پذیرفت. جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز توصیفی و تحلیلی تحقیق از پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته که براساس طرح لیکرت فراهم شده بود استفاده گردید. جهت بررسی روایی تحقیق از روش روایی محتوایی و بررسی پایایی از روش ضریب همبستگی آلفای کرونباخ استفاده شد که $\alpha = 0/89$ محاسبه گردید که نشانگر دقت قابل ملاحظه ابزار تحقیق می باشد. جهت تحلیل داده ها از آمار توصیفی نظیر تنظیم جداول، محاسبه فراوانی و درصد استفاده گردید.

• تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق سعی شده است تا یافته های تحقیق بر اساس مدل لسول ارائه شود .

الف - ویژگیهای قربانیان خشونت (Whom):

برای پی بردن به ویژگی های قربانیان خشونت ، در این قسمت اطلاعات لازم درخصوص سن ، تحصیلات ، شغل ، دارا بودن یا دارا نبودن فرزند ، نسبت فامیلی با همسر و در پایان اصالت شهری زنان ، طی جداول مختلف ارائه می شود .

۱ - توزیع سنی: داده های جدول زیر، توزیع فراوانی های سنی زنانی که در خانواده مورد خشونت قرار گرفته اند را نشان می دهد .

جدول شماره ۲ : توزیع فراوانی قربانیان خشونت بر حسب سن

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	گروههای سنی
۲/۵	۹	کمتر از ۱۹
۱۳/۸	۴۹	۲۰-۲۴
۱۹/۸	۷۰	۲۵-۲۹
۱۸/۴	۶۵	۳۰-۳۴
۱۵/۸	۵۶	۳۵-۳۹
۱۲/۴	۴۴	۴۰-۴۴
۸/۵	۳۰	۴۵-۴۹
۴/۵	۱۶	۵۰-۵۴
۱/۴	۵	۵۵-۶۰
۱/۱	۴	بالاتر از ۶۰
۱/۷	۶	بی جواب
۱۰۰/۰	۳۵۴	مجموع

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود ، بیشترین تعداد قربانیان خشونت را زنانی تشکیل می دهند که در دامنه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند . (به عبارت دیگر ، نمونه آماری را جوانان یا همان زنان جوان تشکیل می دهند (۷۰ نفر معادل ۱۹/۸ درصد) . سایر گروههای

سنی به ترتیب ، از بیشترین به کمترین تعداد ، عبارتند از گروه سنی ۳۴ - ۳۰ سال ، ۳۹ - ۳۵ سال و ۲۴ - ۲۰ سال

۲ - میزان تحصیلات: جدول زیر، توزیع فراوانیهای پاسخگویان را برحسب تحصیلات نشان می دهد .

جدول شماره ۳: توزیع فراوانیهای قربانیان خشونت بر حسب میزان تحصیلات

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	سطح تحصیلات
۱۲/۱	۴۳	دبستان
۱۱/۹	۴۲	راهنمایی
۴۱/۲	۱۴۶	دبیرستان
۸/۲	۲۹	کاردانی
۱۵/۳	۵۴	کارشناسی
۱۱/۳	۴۰	بی جواب
۱۰۰/۰	۳۵۴	مجموع

داده های جدول فوق حاکی از آن است که ۱۴۶ نفر از زنان مورد مطالعه (بیشترین فراوانی) دارای تحصیلات در سطح دیپلم بوده اند . کمترین تعداد پاسخگویان را زنانی تشکیل داده اند که دارای تحصیلات لیسانس بوده اند . در واقع ، میزان تحصیلات قربانیان خشونت به ترتیب فراوانی عبارت است از : دیپلم (۱۴/۲ درصد) ، لیسانس (۱۵/۳ درصد)، دبستان (۱۲/۱ درصد) ، راهنمایی (۱۱/۹ درصد) و فوق دیپلم (۸/۲ درصد) .

۳ - توزیع شغلی : پاسخ های اظهار شده درخصوص شغل پاسخگویان در جدول

زیر آمده است .

همانطور که جدول ذیل نشان داده شده است، اکثریت قریب به اتفاق زنان مورد مطالعه (تعداد ۲۰۳ نفر معادلی ۵۷ درصد) را زنان خانه دار تشکیل می دهند . پس از خانه داری ، مشاغل فرهنگی دومین گروه عمده شغلی است که زنان در آن مشغول به فعالیت هستند. سایر گروههای شغلی از نظر تعداد شاغلین ، فاصله نسبتاً زیادی با دو گروه شغلی پیشین دارند .

جدول شماره ۴: توزیع فراوانیهای قربانیان خشونت بر حسب شغل

وضعیت شغلی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
بیکار	۷	۲/۰
کارگز	۶	۱/۷
کارمند	۲۹	۸/۲
آزاد	۲۴	۶/۸
فرهنگی	۶۰	۱۶/۹
مشاغل عالی	۲	۶
بازنشسته	۵	۱/۴
خانه دار	۲۰۲	۵۷/۱
دانشجو	۱۲	۳/۴
بی جواب	۷	۲/۰
مجموع	۳۵۴	۱۰۰/۰

۴ - توزیع تعداد فرزند: جدول زیر توزیع فراوانیهای پاسخگویان را بر حسب تعداد فرزندان نشان می دهد.

جدول ۵ توزیع فراوانیهای پاسخگویان را نشان می دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان را آن دسته از زنانی تشکیل می دهد که دارای دو فرزند هستند (۸۹ نفر معادل ۲۵/۱ درصد) همچنین، تعداد زنانی که دارای یک فرزند می باشند (۷۷ نفر یا ۲۱/۸ درصد) و زنانی که دارای سه فرزند بوده اند ۵۷ نفر (۱۶/۱ درصد) از افراد مورد مطالعه را تشکیل می دهند.

۵ - تعداد سالهای زندگی زناشویی: از جمله ویژگیهای مشترک عاملان و قربانیان خشونت، تعداد سالهایی است که طرفین به عنوان همسر با یکدیگر زندگی می کنند. این ویژگی، در داده های جدول زیر نشان داده شده است.

با توجه به جوانی جمعیت مورد بررسی جدول زیر حاکی است که بیشترین تعداد از پاسخگویان را کسانی تشکیل می دهند که به تنها کمتر از ۵ سال با یکدیگر زندگی زناشویی داشته اند. در واقع، قربانیان خشونت از همان آغاز زندگی مشترک، خشونت را تجربه می کنند. علاوه بر این، ۱۳ درصد از افراد مورد مطالعه را آن دسته از قربانیانی تشکیل می دهند که بیش از ۲۵ سال با اعمال کنندگان خشونت زندگی مشترک داشته اند. معنی و مفهوم

داده های فوق این است که تجربه خشونت محدود به اوایل زندگی مشترک نبوده و در همه دوران زندگی ، خشونت نسبت به زنان در خانواده اعمال شده است.

جدول شماره ۵ : توزیع فراوانیهای قربانیان خشونت بر حسب تعداد فرزندان

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	تعداد فرزندان
۱۶/۱	۵۷	بدون فرزند
۲۱/۸	۷۷	یک
۲۵/۱	۸۹	دو
۱۶/۱	۵۷	سه
۱۰/۲	۳۶	چهار
۵/۴	۱۹	پنج
۸	۳	شش
۱/۴	۵	هفت
۳	۱	هشت
۲/۸	۱۰	نه
۱۰۰/۰	۳۵۴	مجموع

جدول شماره ۶ : توزیع فراوانیهای قربانیان بر اساس تعداد سالهای زندگی زناشویی

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	سالهای زندگی زناشویی
۲۴/۳	۸۶	کمتر از ۵
۲۳/۲	۸۲	۶-۱۰
۱۵/۰	۵۳	۱۱-۱۵
۱۵/۳	۵۴	۱۶-۲۰
۹/۳	۳۳	۲۱-۲۵
۸/۸	۳۱	۲۶-۳۰
۴/۲	۱۵	بیشتر از ۳۰
۱۰۰/۰	۳۵۴	مجموع

ب- ویژگیهای عاملان خشونت (Who) :

برای پی بردن به ویژگیهای اعمال کنندگان خشونت ، اطلاعات لازم درخصوص سن ، تحصیلات ، شغل ، منشاء اجتماعی ، شغل و نوع مالکیت منزل مسکونی طی جداول بعدی ارائه می شود .

۱- توزیع سنی : برای آگاهی از وضعیت سنی پاسخگویان ، توزیع فراوانیهای آن

درجدول زیر نشان داده شده است

همانطور که در جدول زیر مشاهده می شود بیشترین تعداد پاسخگویان را زنانی تشکیل

می دهند (۲۲ درصد) که در دامنه سنی ۳۹-۳۵ سال قرار دارند.

جدول شماره ۷ : توزیع فراوانیهای اعمال کنندگان خشونت بر حسب سن

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	وضعیت سنی
۱/۴	۵	۲۵-۲۹ سال
۱۵/۸	۵۶	۳۰-۳۴
۲۲/۰	۷۸	۳۵-۳۹
۱۷/۸	۶۳	۴۰-۴۴
۱۶/۷	۵۹	۴۵-۴۹
۷/۱	۲۵	۵۰-۵۴
۱۰/۲	۳۶	۵۵-۶۰
۴/۸	۱۷	۶۰ و بالاتر
۲/۸	۱۰	کمتر از ۲۴ سال
۱/۴	۵	بی جواب
۱۰۰/۰	۳۵۴	مجموع

۲- میزان تحصیلات: جدول زیر اطلاعات مناسبی را برای شناخت ویژگی تحصیلی فاعلان

خشونت نسبت به زنان ارائه داده است .

جدول شماره ۸: توزیع فراوانیهای اعمال کنندگان خشونت بر حسب تحصیلات

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	سطح تحصیلات
۱۱/۰	۳۹	دبستان
۱۷/۲	۶۱	راهنمایی
۳۲/۲	۱۱۴	دبیرستان
۱۰/۲	۳۶	کاردانی
۲۴/۰	۸۵	کارشناسی
۵/۴	۱۹	بی جواب
۱۰۰/۰	۳۵۴	مجموع

جدول فوق نشان می دهد که اعمال کنندگان خشونت ، به طور عمده دارای تحصیلاتی در حد دیپلم هستند . به عبارت دیگر ، ۱۱۴ نفر (۳۲ درصد) اظهار داشتند که همسرشان دارای تحصیلات دیپلم می باشد (مد = ۴) . بعد از تحصیلات دیپلم ، مردانی که دارای تحصیلات لیسانس می باشند ، بیشترین تعداد را تشکیل می دهند . (۸۵ نفر برابر با ۲۴ درصد) . به طور کلی ، اعمال کنندگان خشونت ، به ترتیب دارای تحصیلات دیپلم ، لیسانس ، راهنمایی ، دبستان و فوق دیپلم هستند .

۳- توزیع شغلی : برای شناخت بیشتر ویژگیهای اعمال کنندگان خشونت ، مشاغل آنها در جدول ذیل آمده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۹: توزیع فراوانیهای اعمال کنندگان خشونت بر حسب نوع شغل

وضعیت شغلی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
بیکار	۸	۲/۳
کارگر	۱۷	۴/۸
کارمند	۸۷	۲۴/۶
آزاد	۱۳۹	۳۹/۳
کشاورز	۴	۱/۱
فرهنگی	۵۲	۱۴/۷
مشاغل عالی	۲۲	۶/۲
بازنشسته	۱۳	۳/۷
بی جواب	۸	۲/۳
دانشجو	۴	۱/۱
مجموع	۳۵۴	۱۰۰/۰

جدول فوق نشان می دهد که بیشترین تعداد زنان مورد بررسی کسانی هستند که همسرشان دارای شغل آزاد می باشد (۱۳۹ نفر معادل ۳۹ درصد). اگر بخواهیم مشاغل مورد اشاره را به ترتیب فراوانی و تعداد نام ببریم ، باید گفت که شغل آزاد ، فرهنگی ، کارمند ، مشاغل عالی و کارگری ، عمده گروههای شغلی اعمال کنندگان خشونت هستند .

ج - شیوه های اعمال خشونت علیه زنان (HOW) :

بررسی ادبیات موضوع نشان داده است که خشونت علیه زنان در محیط خانواده دارای هفت نوع مختلف می باشد . در این قسمت ، میزان خشونت نسبت به زنان ، برحسب انواع خشونت هفت گانه بیان می گردد:

جدول شماره ۱۰، میزان خشونت نسبت به زنان بر حسب انواع خشونت هفتگانه

جمع	گزینه ها				فراوانی درصد	نوع خشونت
	بی جواب	زیاد	متوسط	کم		
۳۵۴ ۱۰۰	۳۵	۱۶	۵۳	۲۵۰	فراوانی	۱-خشونت جسمی
	۹/۸۸	۴/۵۲	۱۴/۹۷	۷۰/۶۲	درصد	
۳۵۴ ۱۰۰	۳۰	۸۹	۱۴۷	۸۸	فراوانی	۲-خشونت جنسی
	۸/۴۷	۲۵/۱۴	۴۱/۵۲	۲۴/۸۶	درصد	
۳۵۴ ۱۰۰	۲۴	۵۹	۱۳۱	۱۴۰	فراوانی	۳-خشونت کلامی
	۶/۷۸	۱۶/۶۷	۳۷/۰۰	۳۹/۵۵	درصد	
۳۵۴ ۱۰۰	۴۱	۵۲	۱۴۸	۱۱۳	فراوانی	۴-خشونت عاطفی
	۱۱/۵۸	۱۴/۶۹	۴۱/۵۲	۳۱/۹۲	درصد	
۳۵۴ ۱۰۰	۲	۰	۹۴	۲۵۸	فراوانی	۵-خشونت معنوی
	۰/۵۶	۰	۲۶/۵۵	۷۲/۸۸	درصد	
۳۵۴ ۱۰۰	۲۵	۸۹	۱۸۳	۵۷	فراوانی	۶-خشونت اقتصادی
	۷/۰۶	۲۵/۱۴	۵۱/۶۹	۱۶/۱۰	درصد	
۳۵۴ ۱۰۰	۵۲	۵۸	۱۵۸	۸۶	فراوانی	۷-خشونت اجتماعی
	۱۴/۶۹	۱۶/۳۸	۴۴/۶۳	۲۴/۲۹	درصد	

۱- خشونت جسمی:

داده های جدول فوق نشان می دهد که ۷۰/۶۲ درصد زنان مورد بررسی ، اظهار داشتند میزان خشونت جسمی یا فیزیکی نسبت به آنان در محیط خانواده به میزان کم اعمال شده است . همچنین ۱۴/۹۷ درصد از زنان اظهار داشتند که میزان خشونت جسمی اعمال شده نسبت به آنها در حد متوسط و ۴/۵۲ درصد از آنان نیز اظهار داشتند که این نوع خشونت در حد زیاد بوده است .

۲- خشونت جنسی:

مطابق داده های حاصل از تحقیق ، ۸۸ نفر (۲۴/۸۶ درصد) اظهار داشتند که میزان خشونت جنسی اعمال شده نسبت به آنان در حد کم بوده است . همچنین ۱۴۷ نفر (۴۱/۵۲ درصد) اظهار داشتند که میزان خشونت جنسی در حد متوسط اعمال شده است . علاوه بر این ، مطابق داده های جدول فوق که ۸۹ نفر (۲۵/۱۴ درصد) از افراد مورد بررسی اظهار داشتند که میزان خشونت جنسی نسبت به آنان در حد زیاد است .

۳- خشونت کلامی:

نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که ۳۹/۵۵ درصد از زنان مورد بررسی میزان خشونت کلامی اعلام شده توسط شوهرانشان را در حد کم ارزیابی کرده اند . همچنین ۳۷/۰ درصد از آنان این نوع خشونت را در حد متوسط و نیز ۱۶/۶۷ درصد از آنان میزان خشونت کلامی اعمال شده را در حد زیاد ارزیابی کردند .

۴- خشونت عاطفی:

مطابق داده های فوق ، ۵۲ نفر (۱۴/۶۹ درصد) از زنان اظهار داشتند که خشونت عاطفی به میزان زیاد توسط شوهرانشان نسبت به آنان اعمال می شود . ۴۱/۵۲ درصد از زنان نیز خود را در حد متوسط قربانی خشونت عاطفی معرفی کرده اند و در پایان ۳۱/۹۲ درصد نیز میزان خشونت عاطفی اعمال شده نسبت به خودشان را در حد کم ارزیابی کردند .

۵- خشونت معنوی:

همانطور که در جدول فوق منعکس شده است ۷۲/۸۸ درصد از زنان مورد بررسی اظهار داشتند که میزان خشونت معنوی تجربه شده از سوی آنان در حد کم می باشد . همچنین ۲۶/۵۵ درصد از این زنان اظهار داشتند که به میزان متوسط قربانی خشونت معنوی شده اند . نکته جالب توجه این است که هیچ یک از زنان مورد بررسی میزان خشونت معنوی تجربه شده را در حد زیاد ارزیابی نکرده اند .

۶- خشونت اقتصادی :

مطابق نتایج جدول فوق ، ۲۵/۱۴ درصد از زنان بررسی اظهار داشتند که در حد زیاد قربانی خشونت اقتصادی در محیط خانواده گردیده اند . ۵۱/۶۹ درصد از آنها اظهار داشتند که این نوع خشونت را در حد متوسط تجربه نموده اند و تنها ۱۶/۱۰ درصد از نمونه های مورد بررسی ، میزان خشونت اقتصادی را در حد کم ارزیابی کردند .

۷- خشونت اجتماعی :

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ۲۴/۲۹ درصد معتقدند که خشونت اجتماعی در حد کم نسبت به آنان اعمال شده است . ۴۴/۶۳ درصد از زنان مورد بررسی نیز اظهار داشتند که در حد متوسط قربانی خشونت اجتماعی بوده اند . در پایان ۱۶/۳۸ درصد از آنان اظهار داشتند که خشونت اجتماعی به میزان زیاد نسبت به آنان اعمال شده است .

د- علل خشونت نسبت به زنان (Why) :

چهارمین زمینه مورد بررسی در تحقیق حاضر ، مطابق مدل لسول ، عبارت است از شناخت علل بروز خشونت نسبت به زنان در خانواده . بدین منظور ، از افراد مورد مطالعه خواسته شد که به این سؤال پاسخ دهند که « فکر می کنید چه چیزهایی باعث می شود که شوهرتان نسبت به شما بدرفتاری کند ؟ » جدول زیر ، توزیع فراوانیهای پاسخها را نشان می دهد:

نتایج حاصل از جدول زیر نشان می دهد که ۲۰۲ مورد از پاسخ های ارائه شده در زمینه علت بروز خشونت مردان نسبت به زنان مربوط به ویژگیهای شخصیتی زن است (نظیر : ناسزا گفتن ، عدم استقبال از شوهر در هنگام ورود به منزل ، بدگویی راجع به اطرافیان ، زیاده روی در انجام بعضی از کارها ، عصبانیت ، داد زدن و فریاد کشیدن ، عجز بودن و بی حوصلگی ، لجبازی ، حرافی ، پیشداوری ، توجه مفرط به یک مسأله و) . به عبارت دیگر ، بزعم قربانیان خشونت ، علت اصلی بروز خشونت نسبت به زنان ، اقدام اولیه ای است که توسط زن آغاز می شود و بدنبال آن خشونت از سوی شوهر بروز می کند .

جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانیهای پاسخهای قربانیان خشونت بر حسب علت خشونت

ردیف	عنوان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱	ویژگیهای شخصیتی زن	۲۰۲	۳۶/۴	۳۴/۴
۲	امور مربوط منزل	۷۵	۱۳/۵	۴۹/۹
۳	عوامل فرهنگی	۷۰	۱۲/۶	۶۲/۵
۴	ویژگیهای شخصیتی شوهر	۵۹	۱۰/۶	۷۳/۱
۵	عوامل مربوط به خانواده شوهر	۵۲	۹/۴	۸۲/۵
۶	عوامل مربوط به مسایل اجتماعی	۴۴	۷/۹	۹۰/۴
۷	عوامل مربوط به فرزندان	۴۴	۷/۹	۹۸/۳
۸	عوامل مربوط به خانواده زن	۹	۱/۶	۱۰۰

به عقیده زنان، امور منزل، از جمله عدم تدارک غذا، نظافت منزل، نظم و مقررات منزل، عدم حضور در منزل، تعویض وسایل منزل، عدم رعایت بهداشت منزل و ... دومین دسته از عواملی است که باعث اعمال خشونت مردان نسبت به آنان می شود. درحقیقت، در ۷۵ مورد از پاسخها (۱۳/۵ درصد)، اذعان شده است که مردان بخاطر امور مربوط به منزل نسبت به زنان خشونت اعمال می کنند. این تعداد ۱۳/۵ درصد از پاسخها را شامل می شود. سومین دسته از علل خشونت مردان نسبت به زنان در محیط خانواده مربوط به عوامل فرهنگی است (مواردی نظیر: تعصبات مذهبی، بی توجهی به مسائل مذهبی، عدم رعایت حجاب، عدم رعایت مسایل شرعی، سخن گفتن با نامحرم و ...). همانطور که در جدول پیشین مشاهده می شود ۷۰ مورد (۱۲/۶ درصد) از پاسخهای ارائه شده به عوامل فرهنگی بروز خشونت اشاره دارد. عوامل مربوط به ویژگیهای شخصیتی شوهر (از قبیل بدخلقی، تعصب، عصبانیت، فحاشی، سوء ظن، اعتیاد، بی تفاوتی، حساسیت، دهن بینی، خودخواهی، غرور و تکبر، نا آگاهی و ...) چهارمین دسته از علل بروز خشونت نسبت به زنان ذکر شده اند. در حقیقت، از ۵۹ مورد (۱۰/۶ درصد) از علل بروز خشونت نسبت به زنان ویژگیهای شخصیتی شوهر اشاره دارد.

پنجمین دسته از عوامل بروز خشونت در خانواده توسط مردان ، به ویژگیهای مرتبط خانواده شوهر اشاره دارد (نظیر : عدم احترام به خانواده شوهر ، عدم احترام به مادر شوهر ، عدم احترام به خواهر شوهر ، بدگویی در مورد خانواده شوهر ، نرفتن به منزل فامیل شوهر ، تحریکات خانواده و فامیل شوهر و ...) ویژگی اخیر ۵۲ مورد را شامل می شود .

عوامل اقتصادی نظیر پول و مادیات ، ولخرجی ، ندادن پول ، کمک نکردن در کار کشاورزی ، بیکاری ، عدم تأمین نیازها و ... ۴۴ مورد از پاسخها را به خود اختصاص داده است .

عوامل مربوط به فرزندان نیز از دیگر عوامل بروز خشونت نسبت به زنان ذکر شده است (۴۴ مورد) . این عامل موارد زیر را شامل می شود : شیطنت بچه ها ، حمایت از فرزندان ، قصور در رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان ، بدخلقی با فرزندان ، تأمین خواسته های فرزندان و ...

عوامل مربوط به خانواده زن ، از جمله عواملی بودند که به عنوان علت بروز خشونت توسط شوهران نسبت به زنان ذکر شدند . منتهی این عامل کمترین تعداد از پاسخها را به خود اختصاص داده است . عامل اخیر شامل رفت و آمد والدین زن ، رفت و آمد فامیل های زن ، برقراری ارتباط تلفنی زن با مادر ، عدم احترام فامیل زن به شوهر و مانند آنهاست .

م - پیامدهای خشونت نسبت به زنان (Effects) :

برای پی بردن به پیامدهای خشونت های مختلفی که نسبت به زنان در محیط خانواده اعمال می شود ، از زنان به عنوان قربانیان خشونت خواسته شد تا به این سؤال پاسخ دهند که « بدرفتاری شوهرتان چه تأثیری روی شما می گذارد ؟ » جدول زیر ، توزیع فراوانیهای پاسخهای قربانیان خشونت را بر حسب پیامدهای خشونت روی آنها دارد را نشان می دهد .

جدول شماره ۱۲: توزیع فراوانیهای پاسخهای قربانیان بر حسب پیامدهای

خشونت

ردیف	عنوان	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
۱	تأثیرات روانی	۳۴۱	۶۹/۷	۶۹/۷
۲	تأثیرات اجتماعی	۸۶	۱۷/۶	۸۷/۳
۳	تأثیرات جسمی	۳۵	۷/۲۹	۹۴/۵
۴	تأثیر روی فرزندان	۲۷	۵/۵	۱۰۰
	جمع کل	۴۸۹	۱۰۰	-

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می شود، بزعم پاسخگویان و قربانیان خشونت، خشونت پیامدهای متعدد و متنوعی روی آنها می گذارد. پس از مقوله بندی پاسخهای ارائه شده مشخص شد که خشونت چهار دسته پیامد عمده برای قربانیان خشونت داراست. پیامد روانی، پیامد اجتماعی، پیامد جسمی، پیامدهای مختلف برای فرزندان. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که به عقیده زنان، خشونت بیش از هر پیامد دیگری، دارای پیامد روانی برای قربانی خشونت است. داده های مربوط نشان می دهند که ۳۴۱ مورد (۶۹/۷ درصد) از پیامدهای روانی مورد اشاره مربوط است به تأثیرات روانی خشونت (نظیر: ناراحتی، دلگیر شدن، عصبانی شدن، دلسردی، احساس تنفر، گوشه گیری، حرص خوردن، بی حوصلگی، ناامیدی، دلهره و اضطراب و ...). دومین پیامد خشونت نسبت به زنان به پیامدهای اجتماعی مربوط می شود. این پیامد ۸۶ مورد از پاسخ های ارائه شده (۱۷/۶ درصد) را شامل می شود. پیامدهای اجتماعی خشونت نسبت به زنان در خانواده، همانند پیامد روانی دامنه نسبتاً وسیعی از موارد اجتماعی را شامل می شود نظیر: بی توجهی به مسائل زندگی، بی تفاوتی نسبت به فامیل، افزایش جرو بحث، بی تمایلی نسبت به خانواده شوهر، تغییر رفتار، طلاق و جدایی، ماندن در خانه، انتقال مشکلات و به دیگران و

سومین پیامد خشونت نسبت به زن در خانواده، از نظر فراوانی پاسخ ها، عبارت است از پیامدهای جسمی (۳۵ مورد). کمترین تعداد از پاسخ ها به تأثیر خشونت نسبت به زنان بر روی فرزندان و کودکان خانواده اختصاص دارد (۲۷ مورد معادل ۵/۵ درصد). نکته قابل

توجه اینکه، تأثیر خشونت روی کودکان و فرزندان می تواند هم به صورت مستقیم باشد (مثلاً تأثیرات روانی مشاخره زوجها که کودکان مشاهده گر آن باشند) و هم می تواند به صورت غیر مستقیم باشد (مثلاً در اینجا قربانی خشونت به عنوان مادر جهت تخلیه روانی یا تحت تأثیر خشونت ممکن است دست به کتک کاری فرزندان بزند). پیامدهای خشونت برای فرزندان شامل مواردی نظیر بدرفتاری با فرزندان، عدم رسیدگی به فرزندان، اذیت و آزار فرزندان و یا خشونت نسبت به فرزندان می گردد.

• بحث و نتیجه گیری

امروزه، در همه کشورهای دنیا، مساله خشونت نسبت به زنان، کم و بیش در کانون توجه اجتماعی قرار گرفته و این موضوع طی سالهای اخیر مورد توجه اجتماعات جهانی و بین المللی قرار گرفته است. در چهارمین کنفرانس حقوق بشر در وین (سال ۱۹۹۷) خشونت علیه زنان یکی از موضوع های دارای اولویت برای بررسی در کنفرانس تشخیص داده شد و این نکته مهم مورد تاکید قرار گرفت که خشونت، جسم، روان و آزادی زنان را تهدید می کند. دیدگاههای نظری مختلف نظیر نظریه های روانشناسی فردی، پویایی خانوادگی، نظریه های فمینیستی (جنس و قدرت) در صدد تبیین علل بروز خشونت خانگی برآمدند (دوایر، ۱۹۹۶).

به نظر برخی از صاحب نظران، خشونت به رفتاری اطلاق میشود که هدفش اعمال آسیب و رنج باشد. به عبارت دیگر، رفتاری است که به قصد صدمه رساندن (جسمانی یا روانی) به فرد دیگر، یا نابود کردن دارایی افراد میباشد (آزاد ارمکی ۳۷۷، صص ۷۷-۷۶). بررسی های انجام شده نشان می دهند که:

در حدود ۸۵ درصد از خشونت هایی که در سال ۱۹۹۸ در امریکا صورت پذیرفت مربوط بوده است به خشونت علیه زنان (۲۰۰۰ و Bureau of Justice Satisfaction).

زنان به طور معنی دار بیش از مردان در معرض حمایت خشونت آمیز قراردارند (۲۰۰۰، Bureau of justice Satisfaction): زنان ۱۶ الی ۲۴ ساله بیشترین میزان سرانه حملات جنسی را به خود اختصاص دادند (Bureau of Justice Satisfaction 2000).

همچنین بررسیهای دیگر نشان می دهند که در سال ۱۹۹۸، ۳۲ درصد از کل زنانی که قربانی خشونت بوده اند توسط شریک جنسی شان به قتل رسیده اند در حالی این میزان برای مردان تنها ۴ درصد بوده است (National Research Council, ۱۹۹۶).

با توجه به اهمیت جهانی مساله سرانجام در سال ۱۹۹۳، خشونت علیه زنان از سوی سازمان ملل متحد مطرود شد و غیر از جرم علیه زنان مورد بحث و قرارگرفت و حتی بیانیه ای مبنی بر حذف خشونت علیه زنان به تصویب رسید (UN, ۱۹۹۸).

همانطور که اشاره شد، بیشترین تعداد قربانیان خشونت را زنانی تشکیل می دهند که در دامنه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار دارند و ۱۴۶ نفر از زنان مورد مطالعه (بیشترین فراوانی) دارای تحصیلات در سطح دیپلم بوده اند. اکثریت قریب به اتفاق زنان مورد مطالعه (تعداد ۲۰۳ نفر معادلی ۵۷ درصد) را زنان خانه دار تشکیل می دهند. که بیشترین تعداد پاسخگویان را آن دسته از زنانی تشکیل می دهد که دارای دو فرزند هستند. قربانیان خشونت از همان آغاز زندگی مشترک، خشونت را تجربه می کنند بیشترین تعداد زنان مورد بررسی کسانی هستند که همسرشان دارای شغل آزاد می باشد (۱۳۹ نفر معادل ۳۹ درصد). ۷۰/۶۲ درصد زنان، اظهار داشتند میزان خشونت جسمی یا فیزیکی نسبت به آنان در محیط خانواده به میزان کم اعمال شده است. همچنین ۱۴/۹۸ درصد از زنان اظهار داشتند که میزان خشونت جسمی اعمال شده نسبت به آنها در حد متوسط و ۴/۵۲ درصد از آنان نیز اظهار داشتند که این نوع خشونت در حد زیاد بوده است.

همچنین ۸۸ نفر (۲۴/۸۶ درصد) اظهار داشتند که میزان خشونت جنسی اعمال شده نسبت به آنان در حد کم بوده است. ۱۴۷ نفر (۴۱/۵۲ درصد) اظهار داشتند که میزان خشونت جنسی در حد متوسط اعمال شده است. علاوه بر این، ۸۹ نفر (۲۵/۱۴ درصد) از افراد مورد بررسی اظهار داشتند که میزان خشونت جنسی نسبت به آنان در حد زیاد است ۳۹/۵۵ درصد از زنان مورد بررسی میزان خشونت کلامی اعلام شده توسط شوهرانشان را در حد کم ارزیابی کرده اند. همچنین ۳۷/۰ درصد از آنان این نوع خشونت را در حد متوسط و نیز ۱۶/۶۷ درصد از آنان میزان خشونت کلامی اعمال شده را در حد زیاد ارزیابی کردند. ۵۲ نفر (۱۴/۶۹ درصد) از زنان اظهار داشتند که خشونت عاطفی به میزان زیاد توسط شوهرانشان

نسبت به آنان اعمال می شود. ۴۱/۵۲ درصد از زنان نیز خود را در حد متوسط قربانی خشونت عاطفی معرفی کرده اند و ۳۱/۹۲ درصد نیز میزان خشونت عاطفی اعمال شده نسبت به خودشان را در حد کم ارزیابی کردند. ۷۲/۸۸ درصد از زنان مورد بررسی اظهار داشتند که میزان خشونت معنوی تجربه شده از سوی آنان در حد کم می باشد. همچنین ۲۶/۵۵ درصد از این زنان اظهار داشتند که به میزان متوسط قربانی خشونت معنوی شده اند. نکته جالب توجه این است که هیچ یک از زنان مورد بررسی میزان خشونت معنوی تجربه شده را در حد زیاد ارزیابی نکرده اند.

۲۵/۱۴ درصد از زنان بررسی اظهار داشتند که در حد زیاد قربانی خشونت اقتصادی در محیط خانواده گردیده اند. ۵۱/۶۹ درصد از آنها اظهار داشتند که این نوع خشونت را در حد متوسط تجربه نموده اند و تنها ۱۶/۱ درصد از نمونه های مورد بررسی، میزان خشونت اقتصادی را در حد کم ارزیابی کردند. ۲۴/۲۹ درصد معتقدند که خشونت اجتماعی در حد کم نسبت به آنان اعمال شده است، ۴۴/۶۳ درصد از زنان مورد بررسی نیز اظهار داشتند که در حد متوسط قربانی خشونت اجتماعی بوده اند و در پایان ۱۶/۳۸ درصد از آنان اظهار داشتند که خشونت اجتماعی به میزان زیاد نسبت به آنان اعمال شده است.

۲۰۲ مورد از پاسخ های ارائه شده در زمینه علت بروز خشونت مردان نسبت به زنان مربوط به ویژگیهای شخصیتی زن است. علت اصلی بروز خشونت نسبت به زنان، اقدام اولیه ای است که توسط زن آغاز می شود و بدنبال آن خشونت از سوی شوهر بروز می کند. امور منزل از عواملی است که باعث اعمال خشونت مردان نسبت به آنان می شود. در حقیقت، در ۷۵ مورد از پاسخها (۱۳/۵ درصد)، اذعان شده است که مردان بخاطر امور مربوط به منزل نسبت به زنان خشونت اعمال می کنند. علل دیگر خشونت مردان نسبت به زنان در محیط خانواده مربوط به عوامل فرهنگی است. ۷۰ مورد (۱۲/۶ درصد) از پاسخهای ارائه شده به عوامل فرهنگی بروز خشونت اشاره دارد. عوامل مربوط به ویژگیهای شخصیتی شوهر، هم از علل بروز خشونت نسبت به زنان ذکر شده اند. در حقیقت، از ۵۹ مورد (۱۰/۶ درصد) از علل بروز خشونت نسبت به زنان ویژگیهای شخصیتی شوهر اشاره دارد. عوامل دیگر، بروز خشونت در خانواده توسط مردان، به ویژگیهای مرتبط خانواده شوهر اشاره دارد. عوامل مربوط به

فرزندان نیز از دیگر عوامل بروز خشونت نسبت به زنان ذکر شده است. عوامل مربوط به خانواده زن، از جمله عواملی بودند که به عنوان علت بروز خشونت توسط شوهران نسبت به زنان ذکر شدند. متهمی این عامل کمترین تعداد از پاسخها را به خود اختصاص داده است.

همانطور که اشاره شد، خشونت پیامدهای متعدد و متنوعی روی آنها می گذارد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که به عقیده زنان، خشونت بیش از هر پیامد دیگری، دارای پیامد روانی برای قربانی خشونت است.

پیامدهای اجتماعی خشونت نسبت به زنان در خانواده، همانند پیامد روانی دامنه نسبتاً وسیعی از موارد اجتماعی را شامل می شود. از دیگر پیامدهای خشونت نسبت به زن در خانواده، پیامدهای جسمی است. نکته قابل توجه اینکه، تأثیر خشونت روی کودکان و فرزندان می تواند هم به صورت مستقیم باشد (مثلاً تأثیرات روانی مشاجره زوجها که کودکان مشاهده گر آن باشند) و هم می تواند به صورت غیر مستقیم باشد (مثلاً در اینجا قربانی خشونت به عنوان مادر جهت تخلیه روانی یا تحت تأثیر خشونت ممکن است دست به کتک کاری فرزندان بزند). پیامدهای خشونت برای فرزندان شامل مواردی نظیر بدرفتاری با فرزندان، عدم رسیدگی به فرزندان، اذیت و آزار فرزندان و یا خشونت نسبت به فرزندان می گردد.



منابع

۱. ابوت، پاملا و کلروالاس (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه شناسی نگرشهای فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر، چاپ اول.
۲. ارمکی، آزاد و بهار، مهری (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: موسسه نشر جهاد، چاپ اول.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). خشونت و جامعه، تهران: نشر سفیر.
۴. کردوانی، امیر حسین (۱۳۷۹). مجله علمی پزشکی قانونی، واکنش کودکان و نوجوانان در برابر خشونت خانگی و لزوم حمایت از آن. سال ششم، شماره نوزدهم، اردیبهشت و خرداد.

۵. احمدی خراسانی ، نوشین (۱۳۷۷). جنس دوم (مجموعه مقالات) ، نشر توسعه ، تهران : چاپ اول ، اسفند.
۶. ساروخانی ، باقر (۱۳۶۷). جامعه شناسی ارتباطات ، تهران : مؤسسه اطلاعات ،
۷. ساروخانی ، باقر (۱۳۷۷) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی ، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، چاپ اول.
۸. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن .
۹. کازنو ، ژان (۱۳۶۷). جامعه شناسی ارتباطات جمعی ، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی ، تهران : مؤسسه اطلاعات.
۱۰. مجله زنان (۱۳۷۹). مسئله زنان در ایران : هویت خانوادگی در برابر هویت فردی ، سال نهم ، شماره ۶۹ ، آبان ماه .

11. W.I.S.E.Myth(1999) *What is Domestic violence*, Information Web page
12. W.I.S.E.(1999). *Forms of Domestic Violence*, Information Web page.
13. Dvire, (1996), *Theories to Explain Domestic Violence*, Domestic Violence and Resource Center, Information Web page.
14. National Research Council (1996). *Understanding Violence Against Women*, Washington, DC: National Academy Press.
15. UN (1998). *Human Rights and Legal Status of Woman*.
16. Bureau of Justice Statistics (1997). *Violence Against Woman: National Crime Victimization Survey Report*, Washington, DC: US Department of Justice.
17. Bureau of Justice Statistics (2000). *Intimate Partner Violence*. Washington, DC: Department of Justice.